

تحلیلی بر پایداری اجتماعی در رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری با استفاده از روش تحلیل عاملی (نمونه موردی: شهروندان شهر اصفهان)

شهره عزتیان (دانشجوی دکتری شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

ezzatian_sh@ut.ac.ir

بهناز امین زاد گهرریزی (استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

bgohar@ut.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۲

صص ۳۹-۵۴

چکیده

پایداری اجتماعی متأثر از مؤلفه‌های اجتماعی و نهادی، شامل شاخص‌های متنوعی از توسعه شهری پایدار است. یکی از این مؤلفه‌ها، ایجاد رابطه تعاملی شهروندان و نهاد اجتماعی در جامعه مدنی است. مدیریت شهری به عنوان یک نهاد عمومی، می‌تواند نهادهای تسهیلگر و واسط میان شهروندان و دولت باشد. به نظر می‌رسد برای تحقق پایداری اجتماعی به ایجاد رابطه تعاملی میان شهروندان و مدیریت شهری نیاز باشد. این مقاله با هدف تدوین مدل ساختاری بر اساس آزمون شاخص‌های اجتماعی و با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی، مدل پنج شاخصه‌ای را برای سنجش این رابطه تعاملی پیشنهاد می‌دهد. در شهر اصفهان با پیشنهاد پیشینه تحقق طرح‌های فرهنگی، میزان آگاهی و مطالبه‌گری اجتماعی در شهروندان قابل توجه است. به همین منظور ۱۸۰۶ نفر از شهروندان از تمام محلات شهر اصفهان انتخاب شده و برای بررسی این شبه نظریه از آنان سوال پرسیده شده است. بر این اساس عوامل تاثیرگذار در پنج شاخص با ضرایب همبستگی، برای تحقق پایداری اجتماعی وجود دارد. به منظور تایید یا رد شبه نظریه مطرح شده، یک مدل عاملی در نرم افزار آموس ترسیم و شبه نظریه از طریق پرسشنامه آزمون شد. نتایج نشان داد، مقدار $CMIN/DF$ برابر $3/13$ مقدار CFI برابر $0/94$ مقدار $RMSEA$ برابر $0/03$ که همگی دلالت بر تایید مدل ساختاری این مقاله دارند. نتایج نشان داد که شاخص‌های؛ مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و مطالبه‌گری اجتماعی برای ایجاد رابطه تعاملی بین شهروندان و مدیریت شهری اثرگذار هستند و می‌توانند به عنوان ابزاری برای تقویت پایداری اجتماعی در این رابطه تعاملی استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، پایداری اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی، مشارکت و آگاهی اجتماعی و مطالبه‌گری

اجتماعی

۱. مقدمه

پایداری اجتماعی به عنوان یک رکن اساسی از توسعه شهری پایدار از ابتدای قرن بیست و یکم، نگاه‌های صرفاً زیست محیطی و اقتصادی را تغییر داده و با پررنگ کردن ابعاد کیفی توسعه پایدار با تأکید بر عدالت، آزادی و کیفیت زندگی، منجر به پیشرفت‌های حوزه اجتماعی در توسعه شهری پایدار شده است. مباحث اجتماعی برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰، توسط اتحادیه اروپا در لیسبون، به عنوان جزء جدایی ناپذیر مدل‌های توسعه تعریف شد (کولانتونیو^۱ و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۳) و با هدف بهبود شرایط زندگی جامعه، مورد توجه قرار گرفته است. پایداری اجتماعی به ماهیت روابط اجتماعی که نشان دهنده روابط درونی جامعه است، اشاره می‌کند (لیتینگ و گریسلر^۲، ۲۰۰۵). همچنین تین و همکارانش در سال ۲۰۰۲، نظریه توسعه پایدار اجتماعی را شامل ۴ معیار اصلی عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت معرفی کرده‌اند که مبنایی برای سازمان توسعه بین‌المللی نیز قرار گرفت (تین^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). به زعم تلاش‌های گلاسون و وود، این نظریه در چند سال گذشته به سمت مباحثی چون ایجاد شبکه‌های اجتماعی و نهادهای عمومی برای بسترسازی تعامل شهروندان، مشارکت، حس مکان و امنیت در جامعه سوق پیدا کرده است (گلاسون و وود^۴، ۲۰۰۹، ص. ۲۸۴).

در بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی مطابق با تحقیق‌های گذشته (یجیس، لی بین) علاوه بر مؤلفه‌های فضایی و مکانی، مؤلفه‌های اجتماعی - نهادی اعم از مشارکت شهروندی، توجه به حقوق شهروندی، نظارت همگانی، تعامل و گفتگوی ذی‌نفعان، آموزش و یادگیری جمعی در تسهیلهای نهادهای عمومی و داوطلبانه، امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ایجاد رابطه تعاملی شهروندان و نهادهای اجتماعی برای تحقق پایداری اجتماعی را فراهم می‌کند (مورفی^۵، ۲۰۱۲، ص. ۱۰۱).

در گذشته ایران نیز حضور ریش سفیدان، بازاریان، علمای شیعه، روشنفکران و گروه‌های عشیره‌ای در محفل‌ها و پاتوق‌ها در دوره اسلامی به ویژه صفویه و قاجار، نشان از قدرت و پویایی جامعه اجتماعی فعال سستی داشته که در کنار حکومت مرکزی، سعی در توسعه و پایداری اجتماع داشته‌اند. اما طی زمان تا دوره معاصر روند نوسازی در ایران منجر به تفکیک و تمایز نظام‌های اجتماعی، قشر بندی اجتماعی، اقتصادی (بازار)، سیاسی (دولت)، دینی، حقوقی، آموزشی و جامعه مدنی از یکدیگر شده است که جامعه اجتماعی ایران را با عناصر و مؤلفه‌های جدید شکل داده و بر نقش و کارکرد تخصصی آن‌ها افزوده است (سبزه‌ای، ۱۳۸۹). اگر بپذیریم که مدیریت شهری یکی از نهادهای متولی پایداری اجتماعی و ابزار تسهیلگر در فراهم‌سازی شاخصه‌های پایداری اجتماعی است، به نظر می‌رسد که بررسی رابطه تعاملی شهروندان و این نهاد، بتواند ما را در تحقق اهداف پایداری اجتماعی یاری کند.

1. Colantonio
2. Litting & Griesler
3. Thin, Lockhart & Yaron
4. Glasson and Wood
5. Murphy

ضرورت این تحقیق دستیابی به شاخص‌هایی است که بتواند پایداری اجتماعی را محقق کند. به همین منظور این تحقیق تلاش می‌کند شاخص‌هایی را پیشنهاد دهد که این رابطه تعاملی را ایجاد و تقویت می‌کند تا از این پس با برنامه‌ریزی و مدیریت تأمین شاخص‌های پیشنهادی، رابطه تعاملی را تقویت کرده و بستر ساز تحقق پایداری اجتماعی باشد. به عبارتی فرضیه تحقیق بر این مبنا است که این رابطه تعاملی چگونه می‌تواند در قالب شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحقق‌پذیری آن با محوریت شهروندان به وجود آید. شهروندان در این رابطه تعاملی چه وظیفه‌ای داشته و چگونه می‌توانند در صدد مطالبه‌گری برای ایجاد پایداری اجتماعی و به طبع آن، رابطه تعاملی با مدیریت شهری برآیند.

در پیشینه تحقیق مشخص شد که برای اولین بار اتحادیه اروپا در لیسبون در سال ۲۰۰۰، مباحث اجتماعی را جزء جدایی‌ناپذیر مدل‌های توسعه پایدار تعریف کرد (کولانتونیو و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۳). ابتدا مفاهیم اقتصادی و زیست‌محیطی بر توسعه پایدار غالب بوده و علت آن وجود جنبش‌های زیست‌محیطی دهه ۱۹۶۰ و ماهیت غیرعینی و ناملموس جنبه‌های اجتماعی بوده است، اما رویکرد پایداری اجتماعی از سال ۲۰۰۱ به بعد جای خود را در ادبیات مربوط به توسعه پایدار باز کرده (همان) و با توجه متعادل بر سه مؤلفه پایداری، سهم برابری برای ایجاد توسعه شهری پایدار دارد (کولانتونیو^۱، ۲۰۰۸، ۳).

بنا به نظر بارون و گونتلت پایداری اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که فرآیندها، نظام‌ها، ساختارها و روابط اف‌راد جامعه و نهادها به طور فعالانه ظرفیت‌های کنونی و نسل‌های آینده را به منظور ایجاد بهبودی و قابل زیست بودن جامعه، حمایت کند. جامعه پایدار اجتماعی، مجموعه‌ای برابر و متنوع، دارای روابط دموکراتیک بوده و کیفیت زندگی خوب را فراهم می‌کند (گانتلت و بارون^۲، ۲۰۰۲، ص. ۳). در تحقیق‌های هوفر در سال ۲۰۰۸، به منظور ارزیابی فعالیت‌های حوزه پایداری، جنبه نهادی (حکروایی) به عنوان چهارمین بعد توسعه پایدار وارد مدل توسعه پایدار می‌شود. در استراتژی ملی توسعه پایدار (۲۰۰۳) نیز تضمین توسعه پایدار هدفمند را ترکیبی از منافع اداری، منطقه‌ای، سازمانی و گروهی می‌داند (سیجیس^۳ و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۴۵) که در صورت مدیریت قوی نهادی می‌توان به موفقیت رسید و نقش دولت‌های محلی و نهادهای اجتماعی به عنوان تسهیلگر و حلقه واسط در میان مردم و دولت پررنگ شده است.

همچنین در فهرست شاخص‌های بین‌المللی پایداری شهری (IUSIL) از مجموعه شاخص‌های توسعه پایدار شهری بر مبنای سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نظیر: سازمان ملل (۲۰۰۷)، اسکان بشر (۲۰۰۴)، بانک جهانی (۲۰۰۸)، بنیاد اروپا (۱۹۹۸)، کمیسیون اروپایی علم، تحقیق و توسعه (۲۰۰۰)، کمیسیون اروپایی انرژی و توسعه پایدار (۲۰۰۴)؛ ۱۱۵ شاخص در ۳۷ دسته معرفی شده که بر اساس چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و

1. Colantonio
2. Gauntlet and Barron
3. Ciegis

حکمروایی تنظیم شده است (لی-یین و جورج^۱، ۲۰۱۱، ص ۲۱). در این فهرست مؤلفه اجتماعی شامل معیارهای دسترسی عادلانه به انرژی و آب برای همگان، فراهم سازی آموزش برابر، بهبود سلامتی و امنیت، تقویت پاسخگویی خدمات ضروری و اورژانس، ارتقا سلامت و بهداشت همگانی، کاهش فقر، تقویت حمل و نقل بهینه، تأمین مسکن کافی و مطلوب، تقویت دسترسی به زمین و منابع مالی، تقویت یکپارچگی اجتماعی و حمایت از گروه‌های فرهنگی مختلف و متعدد، فراهم سازی تفریح و اوقات فراغت پایدار و همگانی، دسترسی به فضاهای باز و سبز عمومی و خدمات محلی برابر و مساوات طلبانه بوده و مؤلفه حکمروایی (نهادی) شامل معیارهای تقویت مشارکت همگانی و مدیریت نهادی، ایجاد حکومت شفاف، قابل ارزیابی و کارآمد، تأمین حکمروایی شهری، مدیریت پایدار توسعه گران و مدیران شهری است که در این تحقیق نیز محور بررسی برای استخراج شاخص‌های ایجاد و تقویت روابط شهروندان و نهاد اجتماعی هستند (لاریمیان و صادقی^۲، ۲۰۱۷، ص ۱۸-۲۰).

همچنین بر اساس دیارتمان توسعه بین الملل، بنیان‌های پایداری اجتماعی در شاخص‌های زیر بنا نهاده شده است:

برابری اجتماعی: عبارت است از فراهم شدن فرصت‌های برابر و حقوق بشر برای تمام مردم چه در حال و چه برای نسل‌های آینده.

انسجام اجتماعی: عبارت است از ایجاد حس همدلی، همکاری و تشریک مساعی بین گروه‌های مختلف مردم و در رابطه تعاملی شهروندان و نهادهای عمومی.

مشارکت اجتماعی: عبارت است از فراهم شدن فرصت برای تک تک افراد جامعه تا بتوانند خواسته‌های خود را اعلام کنند و با نظارت بر پاسخگویی از سوی نهادهای عمومی، کیفیت زندگی خویش را بهبود بخشند.

امنیت اجتماعی: عبارت است از فراهم شدن امنیت شهروندان در امرار معاش و در برابر مخاطرات طبیعی (دیارتمان توسعه بین المللی^۳، ۲۰۰۷، ص ۱-۲ و شیرازی و کیوانی^۴، ۲۰۱۷).

به زعم دانشپور و همکاران (۱۳۹۳) پایداری اجتماعی در محیط‌های شهری به عنوان قابلیت یک محیط شهری به منظور استمرار حضور عادلانه و تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی در آن تعریف می‌شود (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۳). در بررسی میزان تعامل شهروندی، بسترسازی برای مشارکت همه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، حضور فعال در ارائه پیشنهادها و ایفای نقش در خدمات محله‌ای و انجام فعالیت‌های داوطلبانه که منجر به تقویت حس تعلق مکانی می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. در وضعیت عملکرد مدیریت شهری به عنوان نهاد متولی برای تحقق پایداری اجتماعی، تقویت و توسعه فرایند تعامل و همکاری شهروندان در قالب نهادهای اجتماعی و عمومی از مهمترین مؤلفه‌های ایجاد پایداری اجتماعی در محله‌های شهری است. به همین منظور به نظر می‌رسد ایجاد بستر

1. Li-Yin & Jorge
2. Larimian & Sadeghi
3. Department For International Development
4. Shirazi & Keivani

رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری، می‌تواند ظرفیت نهادی در بستر جامعه‌ای که تخصصی شده و تکثر اندیشه و اعتقادی دارد را ارتقاء دهد. باملاحظه بحث‌های نظری مطرح شده، چنین به نظر می‌رسد که شاخص‌های گسترده‌ای از ابعاد گوناگون، پایداری اجتماعی را تعریف می‌کند که نشان دهنده وسعت زاویه دیدگاه‌ها برای تحقق پایداری اجتماعی است و آنچه در این تحقیق اهمیت دارد ضرورت ایجاد رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری برای تحقق پایداری اجتماعی است.

مطابق با مطالعات نظری مشخص است که یکی از راه‌های نهادینه کردن پایداری اجتماعی در جامعه به وجود متولیان و ساختار رسمی و غیر رسمی برای تعامل شهروندان و مدیریت شهری وابسته است که بتواند حلقه واسطی در میان شهروندان و خواسته‌هایشان و حکومت مرکزی کشور باشد. در این تحقیق با جمع بندی مبانی نظری شاخص‌های مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و مطالبه‌گری اجتماعی به منظور تقویت و تسهیل رابطه تعاملی شهروندان و نهاد اجتماعی پیشنهاد شده‌اند تا با آزمون از سوی نظر شهروندان اصفهانی جهت پیشنهاد یک مدل ساختاری برای تحقق پایداری اجتماعی؛ مورد سنجش قرار گیرند.

در این راستا هدف تحقیق تدوین شبه نظریه یا مدل ساختاری تحقق پایداری اجتماعی با تاکید بر رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری بر اساس آزمون شاخص‌های اجتماعی در شهر اصفهان است. در شهر اصفهان با پیشینه انجام مطالعات اجتماعی و تحقق طرح‌های فرهنگی مانند کمیته فرهنگ شهروندی، مطالعات سرمایه اجتماعی و نظرسنجی همگانی در دوره‌های زمانی منظم، میزان آگاهی اجتماعی شهروندان و مطالبه‌گری اجتماعی در شهروندان قابل توجه است. شهروندان درک نسبتاً درستی از موقعیت و جایگاه شهروندی خود و حقوق شهروندی داشته و همواره به دنبال تسهیل روابط با مدیریت شهری به منظور همفکری، همکاری و همیاری مدیریت شهری بوده‌اند و از طرح‌های مشارکتی و تعاملی با مدیریت شهری استقبال می‌کنند (کمیته فرهنگ شهروندی، ۱۳۹۹، ص. ۸۷). تحقیق حاضر تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که چگونه از طریق شاخص‌های شناسایی شده، می‌توان روابط و همبستگی اثر گذاری هریک از شاخص‌ها را تعریف کرده و چه شبه نظریه یا مدلی را می‌توان برای تحقق پایداری اجتماعی در تقویت رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری در شهرها تدوین نمود؟

۲. روش شناسی

تحقیق حاضر تحقیق کاربردی بوده و از نظر سطح توصیفی - تبیینی است که علاوه بر توصیف ابعاد مختلف، به آزمون و تبیین روابط بین متغیرها پرداخته است. که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای از کل جامعه‌ی شهر اصفهان، به صورت نمونه گیری محلات به صورت تصادفی از مناطق پانزده‌گانه اصفهان استفاده شده است، سپس متناسب با حجم جمعیت هر محله، تعداد نمونه هر منطقه تعیین گردید. این تحقیق از نظر روش، یک تحقیق همبستگی به شمار می‌آید که در آن از روش تحلیل عاملی تاییدی برای بررسی صحت شبه نظریه استفاده می‌شود. تحلیل عاملی یکی از فنون بسیار مهم آماری است که به طور گسترده در مطالعات شهری و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

دانشمندان علوم اجتماعی از این تکنیک به طور گسترده‌ای به منظور بررسی الگوهای همبستگی‌های درونی، کاهش داده‌ها، ساخت آزمون، طبقه بندی و توصیف داده‌ها، تبدیل داده‌ها، آزمون فرضیه‌ها، بررسی روابط در حوزه جدید مورد علاقه و مدلسازی ساختاری استفاده می‌کنند.

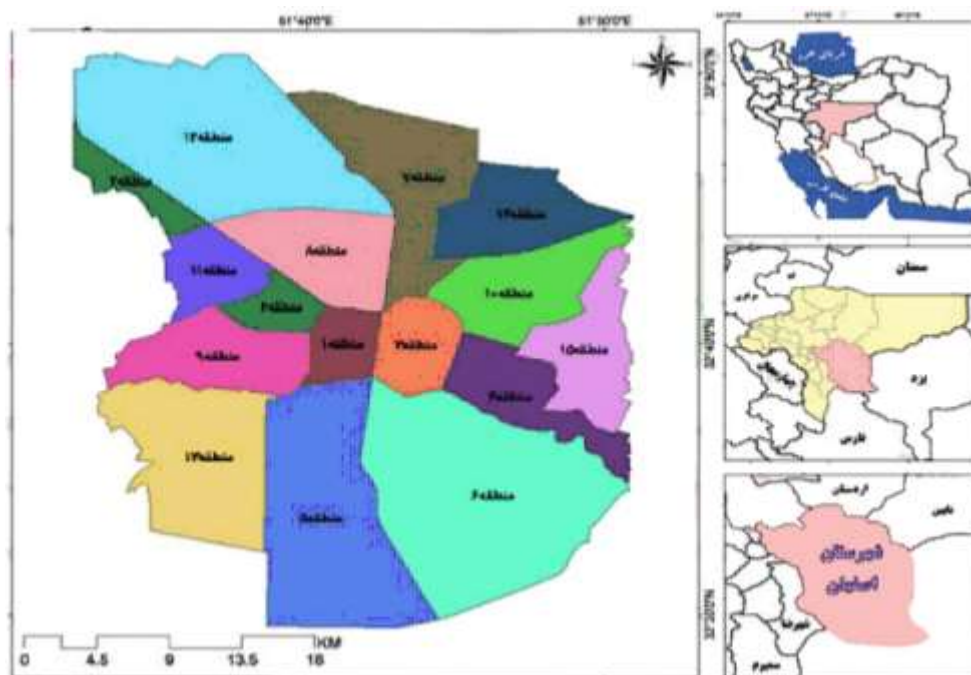
در تحقیق انجام شده برای ساخت مدل مفروض، از گردآوری داده‌ها مبتنی بر داده‌های کتابخانه و اسنادی بهره گرفته شده بر این اساس مشخص شد که مؤلفه‌های متنوعی بستر سازی پایداری اجتماعی در شهرها هستند. مؤلفه‌های فضایی، انسانی، مکان محور و نهادی که هر یک برای ایجاد برابری اجتماعی، امنیت اجتماعی، مشارکت شهروندی، انسجام اجتماعی، ارتقاء کیفیت زندگی، زیرمعیارهایی را پیشنهاد داده‌اند که به فراخور سطح اجتماعی جامعه می‌تواند در برنامه ریزی و سیاست گذاری‌ها استفاده شود. به همین منظور با در نظر گرفتن نقش مدیریت شهری در حکومت محلی در جامعه ایران، به صورت ویژه در شهر اصفهان، مؤلفه‌هایی که نمایانگر پیوند و تعامل میان شهروندان و این نهاد عمومی است در پنج شاخصه اصلی استخراج شده و در این تحقیق تلاش شده است که طی نظرسنجی شهروندان، رابطه معیارها، میزان همبستگی و اثر گذاری آنها در ایجاد پایداری اجتماعی از طریق روش تحلیل عاملی آزمون شود. مطابق با شکل شماره ۲، شاخص‌های تدوین شده شامل؛ مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و مطالبه‌گری اجتماعی است که شهروندان در ارتباط با مدیریت شهری انتظار تحقق دارند.



شکل ۱. مؤلفه، معیارها و زیرمعیارهای پایداری اجتماعی در روابط شهروندان و مدیریت شهری

۱.۲. جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شهروندان اصفهانی هستند که از داده‌های نیازسنجی شهرداری اصفهان از تمام محلات شهر در گروه‌های سنی و اجتماعی مختلف برای استخراج نمونه استفاده شده است. شهر اصفهان شهری تاریخی و گردشگری در مرکز ایران، مرکز استان اصفهان است. این شهر پس از تهران و مشهد سومین کلانشهر ایران با جمعیت حدود ۲ میلیون نفر و مساحت ۵۵۱ کیلومتر مربع، دارای ۱۵ منطقه شهری است. مطابق با گزارش‌های سالانه شهرداری اصفهان، در شهر اصفهان با پیشینه انجام مطالعات اجتماعی و تحقق طرح‌های فرهنگی مانند کمیته فرهنگ شهروندی، مطالعات سرمایه اجتماعی و نظر سنجی همگانی در دوره‌های زمانی منظم، میزان آگاهی اجتماعی شهروندان و مطالبه‌گری اجتماعی قابل توجه است (معاونت تحقیق و برنامه ریزی توسعه منابع انسانی، ۱۳۹۸).



شکل ۲. مناطق شهرداری اصفهان، محدوده مورد مطالعه

جدول ۱. جمعیت مناطق شهرداری اصفهان

منطقه ۱۵	منطقه ۱۴	منطقه ۱۳	منطقه ۱۲	منطقه ۱۱	منطقه ۱۰	منطقه ۹	منطقه ۸	منطقه ۷	منطقه ۶	منطقه ۵	منطقه ۴	منطقه ۳	منطقه ۲	منطقه ۱	مناطق شهرداری
۴۰۷۳۱	۱۶۲۱۱۰	۱۲۱۹۳۷	۱۳۱۰۷۳	۶۴۰۷۱	۱۹۰۹۱۸	۷۰۶۱۳۶	۲۰۹۸۳۴	۱۵۰۶۰۰	۱۰۲۶۹۴	۱۶۰۱۱۹	۱۲۰۱۰۲	۱۰۱۹۳۶	۵۹۰۶۹	۷۰۱۳۰	جمعیت

شهرداری	مناطق	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸	منطقه ۹	منطقه ۱۰	منطقه ۱۱	منطقه ۱۲	منطقه ۱۳	منطقه ۱۴	منطقه ۱۵
درصد	۴	۳/۴	۵/۵	۶/۶	۷/۷	۸/۸	۹/۹	۱۰/۱۰	۱۱/۱۱	۱۲/۱۲	۱۳/۱۳	۱۴/۱۴	۱۵/۱۵	۱۶/۱۶	۱۷/۱۷	۱۸/۱۸

مأخذ: (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع انسانی شهرداری اصفهان، ۱۳۹۰)

حجم نمونه‌ی شهروندان در این تحقیق با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، با توجه به حجم جامعه‌ی آماری (۱۷۵۶۰۰۰ نفر) و اطلاعاتی که از آزمون مقدماتی به دست آمده، برای ۹۵ درصد اطمینان، معادل ۱۳۳۴ نفر برآورد شده است و به جهت افزایش دقت به ۱۸۰۰ نمونه افزایش یافته است و از محلات مختلف شهر اصفهان به نسبت تعداد جمعیت محله جمع‌آوری گردید که در نهایت تعداد ۱۸۰۶ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. در میان جامعه آماری ۵۰/۷٪ مرد و ۴۹/۳٪ زن پاسخ‌دهنده بوده‌اند که در این میان ۲۴/۲٪ در محدوده سن زیر ۲۴ سال، ۲۹/۳٪ در بین ۲۵ تا ۳۴ سال، ۱۹/۶٪ در بین سال‌های ۳۵ تا ۴۴، ۱۶/۹٪ بین سن ۴۵ تا ۵۴ سال و ۹/۸٪ بالای ۵۵ سال بوده‌اند. وضعیت تحصیلات و شغلی پاسخ‌دهندگان مطابق با جدول زیر بوده است.

جدول ۲. وضعیت اشتغال پاسخ‌دهندگان

شغل	تعداد	درصد
شغل	۴۱۴	۲۲/۹
آزاد	۴۳	۷/۹
کارمند	۲۱	۱/۲
معلم	۱۴	۰/۸
اسناد دانشگاه	۶۰	۳/۳
کارگر	۶۰	۳/۳
خانه‌دار	۶۰	۳/۳
بیکار	۹۶	۵/۳
بازنشسته	۱۱۲	۶/۲
محصل	۱۰۰	۵/۵
دانشجو	۱۸۹	۱۰/۵
سرباز	۱۲	۰/۷
کشاورز و دامدار	۶	۰/۳
سایر	۱۷	۰/۹
بدون پاسخ	۲۱	۱/۲
جمع	۱۸۰۶	۱۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

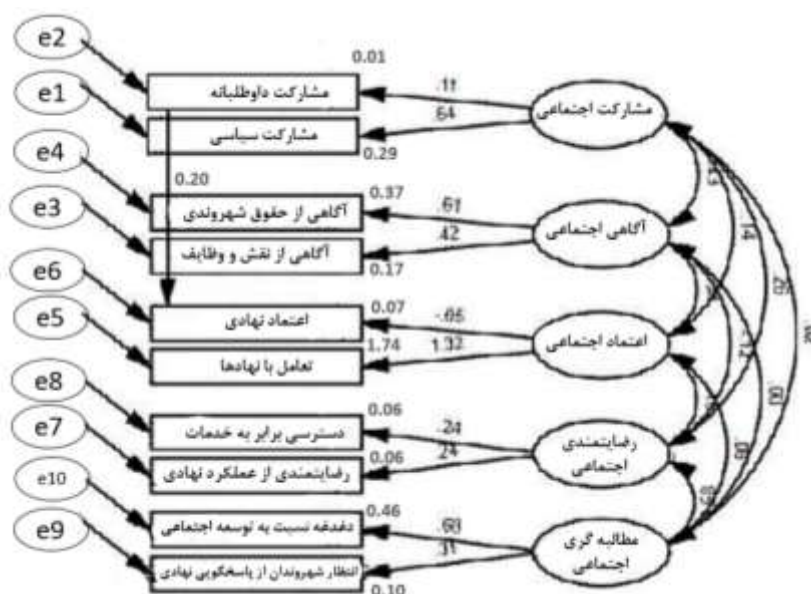
جدول ۳. وضعیت تحصیلی پاسخ‌دهندگان

تحصیلات	تعداد	درصد
تحصیلات	۸۱	۴/۵
بی سواد	۴۷۶	۲۶/۴
زیردیپلم	۵۹۰	۳۲/۷
دیپلم	۱۲۹	۷/۱
فوق دیپلم	۴۰۶	۲۲/۵
لیسانس	۹۴	۵/۲
فوق لیسانس	۱۷	۰/۹
دکتری	۶	۰/۳
حوزوی	۷	۰/۴
بدون پاسخ	۲۱	۱/۲
جمع	۱۸۰۶	۱۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

۳. یافته‌ها

به منظور آزمون مدل عاملی مفروض، از پرسشنامه و تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. پایایی پرسشنامه ۱۰ سوالی استفاده شده در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS23 محاسبه شد و تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار AMOS23 مورد بررسی قرار گرفت. مقدار ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برابر ۰/۷۲ بوده است که این عدد نشانگر همسانی درونی خوب پرسشنامه می‌باشد و می‌توان گفت این پرسشنامه پایایی قابل قبولی دارد. مدلسازی ساختاری مدل مفروض پایداری اجتماعی در نرم افزار AMOS مطابق شکل زیر صورت گرفت و بار عاملی هر یک از معرف‌ها مطابق جداول زیر بدست آمد.



شکل ۳. مدل مفروض ترسیم شده بر اساس مقادیر واریانس-کواریانس و پس از کسر مقادیر خطا

عامل اول: معرف‌های بارگذاری شده در عامل اول شامل مشارکت داوطلبانه و مشارکت سیاسی با مقادیر بار عاملی (بتای استاندارد) ۰/۱۱ و ۰/۵۴ به طور قابل توجهی با عامل اول همبسته هستند (میزان قابل توجهی از واریانس این معرف‌ها توسط عامل اول تبیین می‌شود).

عامل دوم: معرف‌های بارگذاری شده در عامل دوم شامل آگاهی از حقوق شهروندی و آگاهی از نقش و وظایف نهادها هستند که مقادیر بار عاملی استاندارد آن‌ها به ترتیب برابر ۰/۶۱، ۰/۴۲ است که نشان دهنده‌ی میزان همبستگی بالای آن‌ها با عامل دوم است.

عامل سوم: معرف‌های بارگذاری شده در عامل سوم شامل اعتماد به نهادها و تعامل شهروندان با نهادها است. مقادیر بار عاملی این دو معرف به ترتیب برابر ۰/۰۵، ۱/۳۲ است که نشان دهنده‌ی میزان همبستگی بالای آن‌ها با عامل سوم است.

عامل چهارم: معرف‌های بارگذاری شده در عامل چهارم شامل دسترسی برابر به خدمات و رضایتمندی از عملکرد نهادی

با مقادیر بار عاملی (بتای استاندارد) ۰/۲۴، ۰/۲۴ به طور قابل توجهی با عامل اول همبسته هستند (میزان قابل توجهی از واریانس این معرف‌ها توسط عامل اول تبیین می‌شود).

عامل پنجم: معرف‌های بارگذاری شده در عامل پنجم شامل وجود دغدغه شهروندان نسبت به توسعه اجتماعی و انتظار شهروندان از پاسخگویی نهادی هستند که مقادیر بار عاملی استاندارد آن‌ها به ترتیب برابر ۰/۶۸، ۰/۳۱ است که نشان دهنده‌ی میزان همبستگی بالای آن‌ها با عامل دوم است.

اگرچه میزان بار عاملی (بتای استاندارد) معرف‌ها در هر یک از عامل‌ها نشان داد که معرف‌ها به طور درستی در عامل‌ها بارگذاری شده‌اند، اما به منظور بررسی دقیق‌تر مدل مفروض پیشنهادی و آزمون مدل توسط تحلیل عاملی تاییدی لازم است، مدل توسط شاخص‌های تطبیقی، مطلق و مقتصد بررسی شود. بنابر جدول زیر مقدار آزمون کای اسکوتر (CMIN) در مدل مفروض برابر ۷۵/۳ است با درجه آزادی ۲۴ و مقدار $P=0$ است. اگرچه مقادیر آزمون کای اسکوتر می‌تواند در مقام مقایسه مناسب باشد ولی به تنهایی عاملی برای تایید و یا رد یک مدل محسوب نمی‌شود. بنابراین از شاخص دیگری به نام CMIN/DF که یک شاخص مطلق است، استفاده می‌شود. این شاخص با توجه به درجه آزادی مدل مقدار ۳/۱۳ است که این مقدار از ۵ کوچکتر بوده و بنابراین نشان دهنده‌ی برازش خوب مدل با داده‌ها است.

جدول ۴. محاسبه مقادیر کای اسکوتر، معناداری آن و شاخص مطلق CMIN/DF

مدل	شاخص NPAR	مقدار کای اسکوتر	درجه آزادی	مقدار P	درجه آزادی/خی (دو کای اسکوتر)
مدل مفروض	۴۱	۷۵/۳۴	۲۴	۰	۳/۱۳
مدل اشیاع شده	۶۵	۰	۰	-	-
مدل مستقل	۲۰	۹۲۶/۷	۴۵	۰	۲۰/۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

دیگر شاخصی که برای سنجش یک مدل استفاده می‌شود، شاخص CFI است. این شاخص که یک شاخص برازش تطبیقی است بر اساس مقایسه کای اسکوتر و درجه آزادی مدل مستقل با مدل مفروض بدست می‌آید و برای آنکه بتوان گفت مدل با داده‌ها برازش خوبی داشته است می‌بایست از ۰/۹ بزرگتر باشد. مقدار این شاخص مطابق جدول زیر برابر ۰/۹۴۲ است که نشان می‌دهد، بر این اساس نیز مدل مفروض تایید شده و داده‌ها با نظریه منطبق است.

جدول ۵. محاسبه مقادیر شاخص برازش تطبیقی CFI

مقدار CFI	مقدار TLI rho2	مقدار IFI Delta2	مقدار RFI rho1	شاخص NFI Delta1	مدل
۰/۹۴۲	۰/۸۹۱	۰/۹۴۳	۰/۸۴۸	۰/۹۱۹	مدل مفروض
۱	-	۱	-	۱	مدل اشباع شده
۰	۰	۰	۰	۰	مدل مستقل

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

شاخص دیگری که برای تایید یا رد یک مدل مفروض مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص RMSEA یا شاخص ریشه دوم مربعات خطای برآورد است. این شاخص به دلیل اینکه از اطلاعات بیشتری برای رد یا تایید مدل استفاده می‌کند، از دیگر شاخص‌ها معتبرتر بوده و به تنهایی می‌تواند دلیل خوبی برای رد یا تایید یک مدل محسوب شود. مقدار این شاخص هر گاه کوچکتر از ۰/۰۸ باشد مدل تایید می‌شود. در مدل مفروض ارائه شده در این تحقیق، مقدار این شاخص برابر ۰/۰۳۴ است که نشان می‌دهد مدل با داده‌ها برازش خوبی داشته است.

جدول ۶. محاسبه مقادیر شاخص RMSEA

مقدار PCLOSE	مقدار HI 90	مقدار LO 90	شاخص RMSEA	مدل
۰/۹۹	۰/۰۴۳	۰/۰۲۶	۰/۰۳۴	مدل مفروض
۰	۰/۱۱۰	۰/۰۹۸	۰/۱۰	مدل مستقل

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

شاخص دیگری نیز در تحقیقات برای سنجش یک مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. مزیت این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر، عدم وابستگی آن به تعداد حجم نمونه است. در حالی که تمامی شاخص‌های فوق به تعداد حجم نمونه وابسته‌اند، این شاخص هیچ وابستگی به تعداد حجم نمونه نداشته و از این لحاظ می‌تواند مورد توجه باشد. مقدار این شاخص برای تایید مدل می‌بایست بزرگتر از ۱۴۵ باشد که در مدل مفروض این تحقیق برابر ۸۷۳ است. بنابراین بر اساس این شاخص نیز مدل با داده‌ها برازش خوبی داشته و مدل عاملی پایداری اجتماعی این تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۷. محاسبه شاخص HOELTER در سطح معناداری ۹۵ و ۹۹ درصد

شاخص HOELTER .01	شاخص HOELTER .05	مدل
۱۰۳۰	۸۷۳	مدل مفروض
۱۳۷	۱۲۱	مدل مستقل

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

با توجه به شاخص‌های محاسبه شده برای مدل مفروض می‌توان گفت مدل عاملی مفروض یا شبه نظریه ارائه شده، با توجه به پرسشنامه‌ی پر شده در شهر اصفهان، برازش خوبی با داده‌ها داشته است. بنابراین مدل پنج شاخصه پایداری اجتماعی که در این مقاله مورد تاکید بوده است، تأیید می‌شود.

۴. بحث

پایداری اجتماعی با تکیه بر عدالت، مشارکت، آگاهی و همبستگی اجتماعی؛ زمانی رخ می‌دهد که فرآیندها و ساختار روابط افراد و نهادهای جامعه به صورت فعالانه به ظرفیت‌های کنونی و نسل‌های آینده توجه کرده و از تعامل در رفتارهای متقابل شهروندان و نهاد اجتماعی حمایت کند. در این تحقیق طی نظرسنجی از شهروندان، رابطه و میزان همبستگی و اثر گذاری معیارها در ایجاد پایداری اجتماعی برای ایجاد رابطه تعاملی بین شهروندان و مدیریت شهری از طریق روش تحلیل عاملی آزمون شده است. شاخص‌های پیش فرض شامل؛ مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و مطالبه‌گری اجتماعی هستند که برای تأیید مدل ساختاری؛ از ۱۸۰۶ نفر از شهروندان سوال شد. با توجه به تحقیق انجام شده به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های تحقق پایداری اجتماعی و نهادی، ایجاد رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری است و معیارهای پنجگانه‌ی "آگاهی اجتماعی"، "اعتماد اجتماعی"، "مطالبه‌گری اجتماعی"، "رضایتمندی اجتماعی" و "مشارکت اجتماعی" می‌تواند به ایجاد رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری در ساختار اجتماعی شهر کمک کند. به عبارتی زیر معیارها، ابزارهایی برای تحقق پذیری این رابطه هستند.

مطابق با مطالعات پیشین گاتس و لی در تحقیق خود شاخص‌های پایداری اجتماعی را بر توجه به ظرفیت‌های اجتماعی در چارچوب چهار اصل برابری، عدالت اجتماعی، تعادل اجتماعی و سازگاری تعریف کرده اند (گاتس و لی، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۴). اما شاخصی برای سنجش آن ارائه نشده است. براملی و همکارانش نیز در تحقیق خود در سال ۲۰۰۶، پایداری اجتماعی را بر مبنای دو مفهوم عدالت اجتماعی و پایداری جامعه ارائه دادند و پایداری اجتماعی را بر تعامل، مشارکت، حس مکان و ثبات جامعه و امنیت وابسته می‌دانند (براملی و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۱۱-۱۲). اما اینکه چگونه محقق شود و یا ابزاری برای ارزیابی آن پیشنهاد نکرده اند. نسترن و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با هدف ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل ANP، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و روش دلفی در بررسی نظر کارشناسان، شاخص‌های عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و تعامل اجتماعی را به عنوان موثرترین شاخص‌های پایداری اجتماعی معرفی کرده‌اند.

آنچه از بررسی در مطالعات گذشته بر می‌آید، اگرچه شاخص‌های پایداری اجتماعی تعریف و ارزیابی شده‌اند، اما هیچ‌یک؛ عوامل تحقق آن را مشخص نکرده‌اند و تبیین نشده که از طریق چه سازوکاری می‌توان به شاخص‌های

1. Gates & Lee

2. Bramley

مذکور دست یافت. همچنین در مطالعات پیشین نقش و جایگاه شهروندان در ایجاد و مطالبه‌گری مؤلفه‌های پایداری اجتماعی بررسی نشده است. اینکه کدامیک از مؤلفه‌ها از طریق شهروندان قابل پیگیری است و کدامیک از سوی مدیریت شهری باید اعمال شود.

در تحقیق حاضر با تکیه بر رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری، شاخص‌ها به این امر پرداخته‌اند که این رابطه تعاملی چگونه می‌تواند در قالب شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحقق‌پذیری آن با محوریت شهروندان به وجود آید. شهروندان در این رابطه تعاملی چه وظیفه‌ای داشته و چگونه می‌توانند درصدد مطالبه‌گری برای ایجاد پایداری اجتماعی و به طبع آن، رابطه تعاملی با مدیریت شهری برآیند. نتایج تحقیق مورد نظر نشان داد که شاخص‌های پیش‌فرض شامل؛ مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و مطالبه‌گری اجتماعی برای ایجاد رابطه تعاملی بین شهروندان و مدیریت شهری در تحقق پایداری اجتماعی اثرگذار هستند و آزمون مدل در این تحقیق، فرضیه تحقیق را تأیید کرد و نشان داد که برای تحقق شاخص مشارکت اجتماعی نیاز است که مشارکت داوطلبانه و سیاسی شهروندان مورد توجه قرار گیرد.

این مشارکت به اعتماد اجتماعی وابسته است. مشارکت داوطلبانه شهروندان گویای حضور شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی خواهد بود و مشارکت سیاسی شهروندان، نوعی تأیید بر اقدامات دولت مرکزی را نشان می‌دهد. تقویت زیرساخت‌های مشارکت داوطلبانه، می‌تواند مشارکت سیاسی را نیز بهبود بخشد. برای ایجاد شاخص آگاهی اجتماعی به دو معیار نیاز است. این دو معیار شامل وجود آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و آگاهی از نقش و وظایف نهادی است. اگر شهروندان از حقوق خود آگاه باشند، می‌توانند مطالبات خود را از نهاد اجتماعی به گونه‌ای صحیحی شکل دهند. آگاهی از نقش و وظایف نهادی نیز به شهروندان کمک می‌کند تا انتظارات خود را از نهادی که با آن تعامل دارند به شیوه درستی بیان کنند. در این تحقیق نهاد مربوطه مدیریت شهری مدنظر است که حلقه واسط در میان شهروندان و دولت مرکزی است.

شاخص اعتماد اجتماعی با ایجاد میزان حس همدلی و اعتماد نهادی و میزان تعامل و پیوند با نهادها فراهم می‌شود. اعتماد اجتماعی نوعی از حس دورنی است که شهروندان در وجود خود احساس می‌کنند و به صورت رفتارهای اجتماعی بروز می‌دهند. حس همدلی، اعتماد متقابل و پیوند دورنی با نهادهای اجتماعی این احساس را تقویت می‌کند. معیار رضایتمندی اجتماعی نیز از طریق دو زیر معیار دسترسی برابر افراد به خدمات و امکانات رفاهی و رضایتمندی از عملکرد نهادی محقق می‌شود. هر زمان شهروندان به صورت مستقیم و غیر مستقیم از عملکرد نهادی رضایت داشته باشند، رضایتمندی اجتماعی شکل می‌گیرد. عملکرد نهادی به صورت مستقیم و تأمین خدمات و امکانات رفاهی برای شهروندان گویای عملکرد نهاد مدیریت شهری است. شاخص مطالبه‌گری اجتماعی نیز با دو زیر معیار میزان دغدغه‌مندی شهروندان نسبت به توسعه اجتماعی و انتظار شهروندان از پاسخگویی نهادی به وجود می‌آید.

۵. نتیجه گیری

مباحث اجتماعی برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰، توسط اتحادیه اروپا در لیسبون به عنوان جزء جدایی ناپذیر مدل‌های توسعه تعریف شد و اصطلاح پایداری اجتماعی از نخستین سال‌های قرن ۲۱ و با هدف بهبود شرایط زندگی جامعه مورد توجه قرار گرفته است. در بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی علاوه بر مؤلفه‌های فضایی و مکانی، مؤلفه‌های اجتماعی- نهادی به منظور تقویت رابطه تعاملی شهروندان و نهاد اجتماعی اعم از مشارکت شهروندی، توجه به حقوق شهروندی، نظارت همگانی، تعامل و گفتگوی ذی نفعان، آموزش و یادگیری جمعی در تسهیلگری نهادهای عمومی و داوطلبانه، امکان برنامه ریزی و سیاست‌گذاری برای تحقق پایداری اجتماعی را فراهم می‌کند. اگر بپذیریم که مدیریت شهری یکی از نهادهای متولی پایداری اجتماعی و ابزار تسهیلگر در فراهم‌سازی شاخصه‌های پایداری اجتماعی است، افزایش آگاهی اجتماعی شهروندان از حقوق شهروندی، نقش و وظایف مدیریت شهری، رضایتمندی، تعامل و اعتماد اجتماعی و مطالبه‌گری شهروندان از این نهاد عمومی، می‌تواند بستر ساز تحقق پایداری اجتماعی باشد.

در این راستا تحقیق کاربردی مورد نظر با روش توصیفی- تبیین به تدوین شبه نظریه یا مدل ساختاری تحقق پایداری اجتماعی با تاکید بر رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری بر اساس آزمون شاخص‌های اجتماعی در شهر اصفهان با نظر سنجی از شهروندان در تمام محلات پرداخته است. در مدل پیشنهادی ۵ شاخص اصلی برای سنجش رابطه تعاملی شهروندان و مدیریت شهری جهت تحقق پایداری اجتماعی شامل «مشارکت اجتماعی»، «آگاهی اجتماعی»، «اعتماد اجتماعی»، «رضایتمندی اجتماعی» و «مطالبه‌گری اجتماعی» به همراه ۱۰ زیرمعیار، با سنجش ۱۸۰۰ نمونه از جامعه آماری، از طریق تحلیل عاملی مورد آزمون قرار گرفته است که با نتیجه سنجش استخراج شده برای مقدار CMIN/DF برابر ۳/۱۳ مقدار CFI برابر ۰/۹۴، مقدار RMSEA برابر ۰/۰۳۴ و مقدار HOELTER برابر ۸۷۳؛ همگی دلالت بر تایید مدل عاملی این مقاله دارند. به عبارت دیگر مدل ساختاری پایدار اجتماعی ارائه شده در این مقاله تایید کرد که مشارکت اجتماعی از طریق مشارکت داوطلبانه و مشارکت سیاسی و افزایش آگاهی اجتماعی از طریق آگاهی حقوق شهروندی و آگاهی افراد از نقش و وظایف نهادها در قبال جامعه؛ به پایداری اجتماعی جامعه منجر می‌شود. همچنین اعتماد اجتماعی از طریق اعتماد افراد به نهادها و تعامل شهروندان با نهادها، عامل دیگری در تحقق پایداری اجتماعی است. شاخص رضایتمندی اجتماعی نیز با تأمین دسترسی برابر به خدمات و افزایش میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد نهادی به پایداری اجتماعی منجر می‌شود و مطالبه‌گری اجتماعی نیز با افزایش دغدغه‌مندی شهروندان نسبت به توسعه اجتماعی و انتظار شهروندان از پاسخگویی نهادها؛ پایداری اجتماعی را افزایش خواهد داد.

کتابنامه

۱. دانشپور، س.ع.، اسماعیل، ش.، و روستا، م. (۱۳۹۳). تدوین مدل ساختار عوامل مکانی موثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری به کمک تحلیل عاملی و تحلیل مسیر. *نشریه مدیریت شهری*. ۳۵، ۱۳۳-۱۴۲.
۲. سبزه‌ای، م. ت. (۱۳۸۹). تحلیل جامعه‌شناختی توسعه جامعه مدنی در ایران، تحلیل مقایسه‌ای دوره مشروطه با دوره انقلاب اسلامی. *نشریه مطالعات اجتماعی ایران*، ۳(۲)، ۴۹-۸۵.
۳. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع انسانی شهرداری اصفهان. (۱۳۹۰). *سالنامه آماری شهرداری اصفهان*. اصفهان: شهرداری اصفهان.
۴. معاونت تحقیق و برنامه‌ریزی توسعه منابع انسانی، ۱۳۹۸، نیازسنجی مناطق شهرداری اصفهان، اصفهان: شهرداری اصفهان.
۵. نسترن، م.، قاسمی، و.، و هادی‌زاده زرگر، و. (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل شبکه. *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳، ۱۵۵-۱۷۳.
6. Bacon , C. M., Christy, G., Sibella, K., & Maywa, M. (2012). The social dimensions of sustainability and change in diversified farming systems. *Ecology and society*, 17(4), 1-20.
7. Barron, L., & Erin, G. (2002). *WACOSS Housing and Sustainable Communities Indicators Project*. The Regional Institute Online Publishing.
8. Boström, M. (2012). A Missing pillar? Challenges in theorizing and practicing social sustainability. *Sustainability: Science, Practice, and Policy*, 8(1), 3-14.
9. Bramley, G.N., Dempsey, N., Power, S., & Brown, C. (2006). What is sustainability and how do existing urban forms perform in nurturing it? Bartlett School: Sustainable Communities and Green Futures Conference,
10. Ciegis, R., Jolita, R., & Bronislovas, M. (2009). The concept of sustainable development and its use for sustainability scenarios. *Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics*, (2), 28-37.
11. Colantonio, A. (2008). *Social sustainability: linkage research to policy and practice*. Oxford: Oxford Institute for sustainable Development (OISD), Oxford Brookes University.
12. Colantonio, A., & Lane, G. (2007). Measuring social sustainability: best practice from urban renewal in the EU. *Renewal*, 1-37.
13. Colantonio, A., Dixon, T., Ganser, R., Carpenter, J., & Ngombe, A. (2009). Measuring socially sustainable urban regeneration in Europe. *Socially Sustainable Urban Regeneration*, 7.
14. Dempsey, N., Bramley, G., Power, S., & Brown, C. (2011). The social dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. *Sustainable development*, 19 (5), 289-300.
15. Dempsey, N., Brown, C., & Bramley, G. (2012). The key to sustainable urban development in UK cities? The influence of density on social sustainability. *Progress in planning*, 77(3), 89-141.
16. Department for International Development. (2007). *Social urban sustainability*. London: Department for International Development.
17. Gates, R., & Lee, M. (2005). *Definition Social sustainability*. Vancouver: Vancouver City Council.

18. Glasson, J., & Wood, G. (2009). Urban regeneration and impact assessment for social sustainability. *Impact Assessment and Project Appraisal*, 11(4), 283-290.
19. Harris, J.M. (2003). Sustainability and Sustainable Development. *International Society for Ecological Economics*, 1-12.
20. Larimian, T., & Sadeghi, A. (2017). Measuring urban social sustainability: Scale development and validation, *Urban Analytics and City Science*, 56-58.
21. Litting, B., & Griessler, E. (2005). Social sustainability: A catchword between political pragmatism and social theory. *International Journal of Sustainable Development*, 8(1), 65-79.
22. Li-yin, S., & Ochoa, J.J. (2011). The application of urban sustainability indicators: A comparison between various practices. *Habitat International*, 35, 17-29.
23. Magis, R., S.C. (2008). *Understanding the social dimension of sustainability*. London: Routledge press.
24. Manzi, T. (2010). Social sustainability in urban areas – Communities, Connectivity and the Urban Fabric. *London, Management of Environmental Quality An International Journal*, 21(6), 870-870.
25. McKenzie, S. (2004). *Social sustainability: towards some definitions*. *Economics journal*, 12.
26. Murphy, K. (2012). The social pillar of sustainable development: A literature review and framework for policy analysis. *Sustainability: Science, Practice and Policy* 8(1), 15-29.
27. Polese, M., & Stren, R. (eds.). (2000). *The Social Sustainability of Cities. Diversity and the Management of Change*. Toronto-Buffalo-London: University of Toronto Press.
28. Shirazi, M.R., & Keivani, R. (2017). Critical reflections on the theory and practice of social sustainability in the built environment – a meta-analysis. *Local Environment*, 22(12), 1526-1545.
29. Thin, N., & Lockhart, C., Yaron, G. (2002). Conceptualizing Socially Sustainable Development. Paper prepared for DFID and the World Bank, DFID. Mimeo.
30. Woodcraft, S. (2012). Social sustainability and new communities: Moving from concept to practice in the UK. *Social and Behavioral Sciences*, 68, 29 – 42.
31. Yiftachel, O. & Hedgcock, D. (1993). Urban social sustainability: The planning of an Australian city. *Cities*, 10(2), 139-157.